

جنگ ایران و عراق

و موضع فدائیان خلق (اکثریت)

دید نیروهای چپ تا چه یاییسدر انجام یا عدم انجام "روزهای اول انقلاب" سهم خواهند داشت. در هر حال، این بار بر خلاف دفعات گذشته "فدائیان اکثریت" کوشیدند پیش از آنکه رژیم فرصت پیدا کند و آنان را متهم بد سکوت در قبال "نوطه" های امپریالیسم و رژیم بعث عراق کند، (همچون مورد اشغال سفارت آمریکا) پیشدستی کنند و در عوامفریبی گوی سبقت را از هیات حاکمه برمایند. و حقا هم باید گفت که در این زمینه سنگ تمام گذاشتند. اکنون چنین بنظر میرسد که فدائیان هر دم منتظرند که سردمداران رژیم رهنمودی بدهند تا آنان نیز طایق النعل بالنعل از آن نسخه برداری کنند. حتی کار گستاخی اینان بجایی کشیده است که در اعلامیه ای از مردم میخواهند که خود را به سازمان بسیج ملی معرفی کنند و در اعلامیه دیگری، برای نشان دادن "هم خطی" خود با سران مرتجع رژیم لفظ ملی را به "مستضعفین" تغییر میدهند. در عین حال سازمان فدائیان اکثریت اخیرا به بیماری عمده فراموشی نیز گرفتار آمده اند. بزبان روشنتر فدائیان گویا از یسار برده اند که رژیم عراق که آنها بحق "ضد مردمی" میخوانند زمانی نه چندان دور در شاهراه "ترقی و سوسیالیسم" و "راه رشد غیر سرمایه داری" گام برمیداشت و تازه در حال حاضر نیز کشور "سوسیالیستی" شوروی (که فدائیان در ماجرا سفرات آمریکا حکم آنها در مورد ضد امپریالیست بودن رژیم جمهوری اسلامی حجت میدانستند و آنها دلیل روشن صحت ارزیابی های خود در خصوص ماهیت دول میپنداشتند) هنوز هم دولت عراق را "ضد امپریالیست" میدانند. واقعیت این است که از خلال انبوه اعلامیه ها و بیانیه های فدائیان هرگز نمیتوان پاسخی برای این تناقض یافت.

اپورتونیسیم (خصوصا اگر چندان که باید و شاید منجم و یکدست نباشد) همواره با نوعی درهم اندیشی و آشفتگی فکری همراه است. لیکن از سوی دیگر همین فقدان انجام و یکدستی، کار و رشکستگی ایدئولوژیک و سیاسی فدائیان را به جاهای باریکی کشانده است. در واقع در همان لحظاتی که فدائیان همزمان و همگام با هیات حاکمه صلا "وحدت کلمه" در میدهند، روزنامه ها از محاکمه ۵ تن از اعضاء سازمان چریکهای فدائی خلق به اتهام اختفاء سلاح ارتش در دوران قیام خبر میدهند. فدائیان عاجزانه مبارزه با امپریالیسم را از هیات حاکمه گدایی میکنند و رژیم جمهوری اسلامی آنها را محاکمه و تیرباران و ترور انقلابیون پاسخ میگوید.

فدائیان از هواداران خود در مناطق جنگی میخواهند که صمیمانه با ایادی رژیم همکاری کنند، و در عوض عوامل

تشدید جنگ ایران و عراق مانند هر بخش از اجتماعی دیگر مجالی به نیروهای مختلف اجتماعی ندادند. موضع خود را بی پرده یا با استتاری کمتر عرضه کنند. در واقع سکون فرصت کافی برای پرده پوشی و مبهم گویی هست. هنگام بحران، واقعینها شتاب زده بیرون میزنند و دستها میزدند. جنگ کنونی چنین فرصتی بدست داد و اینبار دستهای سازمان کارنامه درخشانتر از گذشته نبود. یکسال و هشت ماه پس از انقلاب، چپ کاکان به سیر قهقرایی خود ادامه میدهد و تصور میکند که با در یوزگی آستان رژیم، مکانسی در آفتاب خواهد یافت. در زیر بحثی پیرامون موضع سازمان چریکهای فدائی خلق (اکثریت) خواهد آمد. اما از هم اکنون باید بگوئیم که در باره ای دیگر از سازمانهای چپ، همین مواضع چریکها، و یا اتحاد و عناصری از این مواضع، تحت لفافه های رنگارنگ وجود دارد که در شمارهای آینده ی رهایی به آنها نیز برخورد خواهد شد.

★ ★ ★

از هنگامیکه بیورش های نظامی رژیم فاشیستی عراق شتاب گرفت و دامنه ی آن از مرزهای دو کشور فراتر رفت، بوضوح میشد پیش بینی کرد که چپ نیز در این میان می باید آزمون دشواری را از سر بگذراند. در واقع جنگ میان ایران و عراق همچون بونه ی آزمایشی است که ماهیت سیاستها واقعی چپ، میزان وابستگی آن به مارکسیسم انقلابی، اسلوب و روش برخورد با مسائل مختلف و جز اینها را از توهمات که هر یک از سازمانها و گروههای چپ - در حرف - در پیرامون خود پدید آورده اند، جدا میکند. در این بین مواضع بسیاری از سازمانهای متصوراً چپ و بویژه سازمان فدائیان خلق (اکثریت) نمونه ی بارز آن سیاستی است که الحق روی مرتدین انترناسیونال دوم را سفید میکند. چندی پیش آقای حجتی کرمانی (نماینده ی مجلس شورای اسلامی و هوادار سرسخت ژنرال مدنی) گفته بود:

"دلم میخواهد که حمله ی نظامی آمریکا به ایران صورت بگیرد که ما انجام روزهای اول انقلاب را دو مرتبه پیدا کنیم." (انقلاب اسلامی ۸ شهریور ۵۹) (تاکید از ما ست) روشن است که آرزوی آقای حجتی سرانجام به تحقق پیوست و این حمله - اگر نه بوسیله ی آمریکا - دست کم از سوی عراق صورت پذیرفت و رژیم ورشکسته و رو بزوال جمهوری اسلامی را دیگر باره جانی تازه بخشید و دوره ی جدیدی از سرکوبی نیروهای انقلابی را در داخل (خواه در شرایط کنونی به بهانه ی مقابله با ستون پنجم دشمن خواه در شرایط آتی به اتکاء قدرت باز یافته) امکان پذیر کرد. منتهی باید

رژیم در آبادان، خرمشهر، اهواز و... از پخش اسلحه در میان کسانی که در مظان اتهام چپ بودن هستند قاطعانه خودداری میکند. فدائیان ظاهراً صادقانه تمامی نیروهای خود را در خدمت وحدت خلق در برابر امپریالیسم در اختیار هیات حاکمه میگذارند، مبارزه‌ی طبقاتی را بیکسره ره‌ها میکنند و حتی به بهانه‌ی این که "باید با عواملی که در روزهای جنگ میکوشند شعارها و خواست‌هایی را مطرح سازند که به بسیج سراسری مردم برای مقابله با تجاوز آسیب میزند یا موجب انحراف افکار عمومی یا تشنج اوضاع میشوند، با قاطعیت مقابله کنید." (زهنمود به همسایه‌ی نیروهای هوادار مورخه ۲ مهرماه ۱۳۵۹) علناً به جنگ نیروهای چپ و انقلابی میشتابد و در عوض هر یک از جناح‌های هیات حاکمه در گیرودار آتش جنگ میکوشد مواضع خود را در قدرت استحکام بخشد. به نوشته‌ی مفسر روزنامه‌ی انقلاب اسلامی، آقای هاشمی رفسنجانی به خلاف نص صریح قانون اساسی در مجلس شورای اسلامی اظهار داشته است که:

"مجلس در مورد سرنوشت صلح و یا ادامه‌ی جنگ تصمیم خواهد گرفت."

حال آنکه به گفته‌ی مفسر یاد شده این تصمیم با رهبری است و نه مجلس شورای اسلامی. (انقلاب اسلامی دوشنبه ۷ مهر ماه).

فدائیان که روزگاری علم جنگ علیه "لیبرال"‌ها را برافراشته بودند اینک در مقابل قدرت‌یابی مجدد ارتش کاملاً مهر سکوت بر لب زده‌اند و تنها با زبان بی‌زبانسی از دولت میخواهند که "پاسداران را به سلاح سنگین مسلح کنند". واقعیت اینست که اگر تا دیروز فدائیان بدلیل عدم اتکاء به طبقه‌ی کارگر به انحلال سیاسی در جبهه‌ی خرده‌بورژوازی و بورژوازی تن در داده بودند اکنون بنا بر ادامه‌ی سیاست دنباله‌روی بی‌چون و چرا از بورژوازی و خرده‌بورژوازی دست‌کم در جدال جنگ اخیر از نظرتشکیلاتی نیز در نهادهای هیات حاکمه حل میشوند. در حقیقت طرح خواسته‌های مشخص در محدوده و قالب خواسته‌های طبقاتی یا اقشاری که تاریخ دیرگاهی است حکم مرگ آنها را صادر کرده است جز به معنای چنگ زدن بیک موقعیت مبرنده و رو به تلاشی نیست. اما روشن است که دنباله‌روی و انحلال سیاسی (واپس‌تشدگی) در دستگاه حاکم ناگزیر کار را به حیطه‌ی اندیشه و ایدئولوژی نظام حاکم نیز میکشاند. در واقع نیز فدائیان با پرده‌پوشی بر ماهیت و علل و اسباب واقعی جنگ میان عراق و ایران، پشت کردن بسمه مبارزه‌ی طبقاتی، تقویت روحیه‌ی شوونیستی مردم و غیر آن همپای هیات حاکمه بیش از پیش به تزییق شعور کاذب در ذهنیت مردم مدد میرساند. فدائیان اکثریت به مردم نمیگویند که رژیم جمهوری اسلامی اکنون فقط در اوایل راهی است که رژیم فاشیستی عراق به پایان آن نزدیک میشود. واقعیت اینست که تا پیش از حمله‌ی گسترده‌ی اخیر عراق، تضادهای درونی هیات حاکمه چندان گسترش یافته بود که دو جناح متخاصم را علناً در برابر یکدیگر قرار داده و بازی قدرت را به اوج‌های جدیدی رسانده بود. از سوی

دیگر رژیم خود را مجبور میدید که برای جلوگیری از رشد روزافزون نیروهای چپ و نجات رژیم ورشکسته‌ی سرمایه‌داری ایران (که هیچ امیدی به تأمین کار برای فارغ التحصیلان دانشگاهها، مدارس عالی و... نداشت) در مراکز آموزش عالی را تخته کند و خیل عظیمی از معلمان و دانش‌آموزان انقلابی را از مدارس اخراج کند. هنگامیکه زمره‌های اعتراض‌نیروهای مترقی بالا گرفت، رژیم نیز با سراسیمگی تمام به ترتیب دادن راهپیمایی "وحدت" پرداخت و عده‌ای از مردم را به خیابان‌ها کشاند. حمله‌ی هوایی عراق بسمه ایران که یکروز پیش از این راهپیمایی صورت گرفت، رژیم را قادر ساخت که بار دیگر در پناه هو و جنجال‌های معمول و از راه تبلیغات گسترده، مردم را برای دفاع از "میهن اسلامی" (کذا) در برابر لشکر جرار کفر و الحساد "اشتراکی"‌های بعث‌بسیج کند. در این بین ارتش شاهنشاهی سابق (و ارتش جمهوری اسلامی کنونی) که چندی پیش متجاوز از ۶۰ تن از افسران عالی‌رتبه و درجه‌دارانش بجرم تلاش برای برآه‌انداختن کودتایی امریکایی به جوخه‌ی اعدام سپرده شده بودند، در هیات "ارتش اسلام" - که گویا قرار است از این پس همچون سربازان اسلام به فتح عالم بپردازند - وارد عمل شد. رسانه‌های همگانی از رادیو و تلویزیون گرفته تا روزنامه‌های رسمی و غیررسمی رژیم یکسر در اختیار اطلاعیه‌ها و بیانیه‌های نیروهای سه‌گانه قرار گرفت. خمینی که تا دیروز نام ارتشیان را تنها پس از عبارت "پاسداران عزیز" بزبان می‌آورد، اکنون دمیدم برای ابواب جمعی ارتش پیام مفرستاد و از جنگ آنان علیه "صدام کافر" سخن میگفت. خمینی صمیمانه تمامی حجج اسلام و آیات عظام درخواست کرد که از خانواده‌های ارتشیان "شهید" دلجویی کنند.

مجلس شورای اسلامی برای تقویت مادی "ارتش مکتبی"! لایحه‌ی مالیات بر درآمد ارتشیان را به بحث گذاشت. مهندس بازرگان در پیام خود به ارتش‌زیرکانه کوشید ثابت کند که از همان اوایل زمامداری اش "با اعتقاد و اعتمادی که به ارزش‌های نظامی و عشق فطری شما بسرای وطن و انقلاب و اسلام داشتم و پیش‌بینی چنین نیاز حیاتی کشور را میکردم سرافراز شدم." (کیهان شنبه ۵ مهر ۵۹) از سوی دیگر رژیم با تقویت روحیه‌ی شوونیستی بخش وسیعی از مردم موجب شد تا زمره‌ی اظهار پشیمانی از اعدام برخی افسران و خلبانان رژیم سابق بالا بگیرد. در واقع "ارتش‌شاهنشاهی" که طی قیام بهمن ماه تا اندازه‌ی زیادی متلاشی شده بود و حتی رژیم در خلال جنگ‌های اول و دوم و سوم کردستان نتوانسته بود آن را بطور کامل ترمیم و بازسازی کند، اکنون تنها صحنه‌گردان میدان شده بود و بعنوان تنها نیرویی که قادر است در برابر تجاوزات لشکر "کفر و الحاد" ایستادگی کند مورد تجلیل و ستایش قرار گرفت. در این بین "پاسداران عزیز" تا اندازه‌ی زیادی از میدان مبارزه حذف و محو شدند. هم در اینجا بود که فدائیان خلق (اکثریت) عاجزانه تقاضا کردند که "پاسداران باید به سلاح سنگین مسلح شوند" البته فدائیان، هیچگاه

پیش‌سوی تدارک انقلاب سوسیالیستی

رفقای هوادار! هموطنان مبارز!

سازمان ما برای پیشبرد برنامه‌های مبارزاتی خود احتیاج مبرم به کمکهای مالی شما دارد.

کمکهای مالی خود را از هر طریق کسبه می‌توانید به ما برسانید.

★ ★ ★

مدلایل تمحیم جابریز کمکهای مالی در نشریه رهائی، هواداران سازمان میخواهیم که به همراه کمک مالی، یک عدد از هر شماره اول اسم کمک کننده را نیز دریافت کرده و به مسئولین سازمان برسانند. مجموع رقم کمک‌ها به ریال و عدد کد به ترتیب حروف الفبا بر شماره‌های آشنده رهائی بجای خواهد رسید.

کمکهای مالی دریافت شده

| الف | س | ب |
|-------|-------|-------|
| ۲۹۰۰ | ۷۴۳۰ | ۱۵۲۸ |
| ۲۰۰۰ | ۱۰۴۳۰ | ۵۱۱۱ |
| ۲۰۰۰ | ۱۰۱۰۰ | ۱۰۱۹۶ |
| ۴۲۰۰ | ۴۶۳۱۶ | ۸۷۰ |
| ۵۶۰۰ | ۳۶۲۱۸ | ۱۰۱۲۹ |
| ۱۰۱۲۹ | ۵۱۲۰ | ۵۲۰۰ |
| ۵۶۰۰ | ۱۰۳۰۰ | ۱۰۳۵۱ |
| ۱۰۱۲۹ | ۵۲۰۰ | ۸۱۱۱ |
| ۵۶۰۰ | ۳۸۲۹ | |
| ۱۰۱۲۹ | ۵۲۰۰ | |
| ۸۱۱۱ | ۵۰۳۰ | |

از خطراتی که تقویت ارتش و سقوط یکشنبه (و صد البته مقاومت نا پذیر!) پاسداران بدنبال خواهد داشت سخنی بزیبا نیآوردند. بعبارت روشنتر هنگامیکه فدائیان جنگ کنونی، "توطئه‌های متوالی کودتا توسط عوامل امپریالیسم در ارتش، تمرکز نیروهای آمریکایی در خلیج و همچنین کودتای ترکیه" را با هم مرتبط میدانند (کار ۷۷ ارگان اکثریت) "فراموش" میکنند که از قدرت یابی ارتش اسلامی در جنگ حاضر یاد کنند. در واقع در آینده ارتش علاوه بر این که برابری قدرت جای خواهد گرفت، تقاضا خواهد کرد که جای سلاحهای از میان رفته‌ی آن پر شود. در حال اکنون به جرئت میتوان گفت که در اوضاع و احوال کنونی (و نیز در شرایط آتی) چنان‌انداز بازگشت ارتش - که در این جنگ بیشترین سود را برده و خواهد برد - از خیابانها به یادگانشها بسیار غیر محتمل است. بهمین ترتیب در شرایطی که بخش وسیعی از نیروهای چپا برده‌یوشی بر ماهیت واقعی جنگ کنونی، با خود را یکسر بدامان رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی انداخته‌اند و با از خود تزلزل و تذبذب نشان میدهند تکلیف رژیم ارتجاعی حاکم روشن است. در هر صورت، نتیجه‌ی جنگ کنونی هر چه باشد، قدر مسلم این است که ارتش در خلال این جنگ مناسبترین زمینه را برای قدرت یابی مجدد خود بدست خواهد آورد. از سوی دیگر رژیم نیز میکوشد از این جنگ در جهت تقویت پایه‌های متزلزل حاکمیت خود بیشترین بهره را بگیرد. رژیم در همان دم که از "وحدت مردم" در قبال تجاوزات امپریالیسم رژیم ارتجاعی عراق سخن میگوید مجال آنرا می باید که بی سر و صدا شمار بزرگی از معلمان، دانش آموزان، کارمندان، کارگران و پرسنل انقلابی ارتش را اخراج کند و در کوچه و حیابان تحت عنوان "شایعه پرداز" فرزندان انقلابی خلق را شکار کند و به زندان ها بیاورد. رژیم از طریق دستگاه تبلیغاتی خود از مردم میخواهد که "توطئه"ی شایعه پردازان را در نقطه حقه کنند و از این راه بطور روزافزون به جو احتناق و استبداد حاکم دامندی وسیعتری میدهد. مردم از وحشت این که مبادا بعنوان عوامل ضد انقلاب و شایعه ساز سرکوب شوند، از بزبان آوردن حقایق و بیان ماهیت جنگ کنونی اکراه دارند. در این میان فدائیان خلق (اکثریت) وقیحانه از نیروهای خود میخواهد که:

"با هر نوع شایعه سازی عوامل ضد انقلاب (!) در هر جا که باشند با قدرت مقابله کنند".

(رهتموده نیروها ۲۰۰۰ مهر ماه ۵۹)

و عملا هیات حاکمه را در سرکوبی نیروهای انقلابی (به بهانه‌ی شایعه پراکنی عوامل ضد انقلاب) یاری میدهد. معلوم نیست "با قدرت مقابله کردن" فدائیان دقیقا بجه معنی است. آیا اینان زندان دارند که "ضد انقلابی" هـا و "شایعه پردازان" را زندانی کنند؟ آیا چماق دارند که آنها را بترسانند؟ و با اینکه منظور از "با قدرت مقابله کردن" دستگیری آنها و تحویل به کمیته‌هاست! حزب تسوده در بدترین و شومترین نقطه‌های سقوط خود هرگز باین روشی نقش‌اندارم رژیم را بعهدده نمیگیرد. چنین بیان‌هایی

تنها ناشی از سقوط و انحراف ایدئولوژیک نیست. کوشش برای روشن بی تجربگی، کودکی و سفاقت است.

هیات حاکمه که در بلاتهای برای ترمیم و بازسازی نظام ورشکسته سرمایه‌داری به بن بست رسیده است و حتی قادر به تامین نیازهای اولیه و روزانه مردم نیست، جنگ فعلی را دستاویز مناسبی تشخیص داده است و از این رو تشکیل صفهای بنزین و ارزاق عمومی را به توطئه‌های عوامل ضد انقلاب و "چپ‌امریکایی" نسبت میدهد و مسردم را بجان یکدیگر می‌اندازد. فدائیان خلق نیز تصدا بسا سردمداران مرتجع رژیم از هواداران خود میخواهد که:

" که مردم را به مصرف‌کنتر تسویق کنند." طرفه آن که فدائیان خلق (اکثریت) برای توجیه سیاستهای بغایت انحرافی و ارتجاعی خود در قبال هیات حاکمه دلدایی اقامه میکنند که خود گواه روشن نابوالت سرمایه‌داری ایران در ترمیم و بازسازی نظام کنونی است. فدائیان مینویسند:

"با انقضای ایران غارت‌روزانه میلیونها بشکده نفت ایران و فروش سالانه میلیاردها دلار جنگ افزار با اختلال (!) روبرو شده است، فروش سالانه میلیاردها دلار کالاهای غیر نظامی و کالاهای لوکس مصرفی به شدت کاهش یافته و نیز سرمایه‌گذاری های بی حساب امپریالیسم امریکایی در مین ما متوقف شده است. بحران بیکساری را در کشورهای امپریالیستی دامن زده است، درآمد سرشار انحصارات جهانی را کاهش داده است (کارشماره‌ی ۷۷ ارگان اکثریت)

در واقع آنچه فدائیان از آن بکاهش صدور نفت و غیرسرآن تعبیر میکنند صرفنظر از خواست کارتل‌های نفتی چیزی جز ناتوانی رژیم حاکم در بازسازی سرمایه‌داری ایران نیست چرا که از جمله همین درآمدهای سرشار نفت بود که با انباشت یکجانبه‌ی خود و عدم امکان جذب آن در مناسبات سرمایه‌داری و شاهرکهای تولیدی آن، رژیم شاه را با بحران گریزناپذیر سالهای ۵۴-۵۷ مواجه کرد. عدم سرمایه‌گذاری خارجی در ایران نه به دلیل ضد امپریالیست بودن هیات حاکمه بلکه درست به جهت آن است که نظام کنونی سرمایه‌داری ایران قادر به سرمایه‌پذیر کردن حوزه‌های تولید نیست. نظام فعلی اساسا قادر به خرید "کالاهای مصرفی" مورد توجه فدائیان نیست. صدور کالاهای مصرفی و لوکس، در واقع، نوعی صدور بحران از کشورهای متروپول به کشورهای زیر سلطه است. صدور بحران یاد شده (در شکل صدور کالاهای متراکم در غرب) در رژیم گذشته یکبار رژیم شاه را بسا بحران مواجه ساخت و اینبار اساسا امکان چنین کاری وجود ندارد. واقعیت این است که رژیم حاکم برای سرمایه‌پذیر کردن حوزه‌های تولید و اقتصاد بزمان زیادی احتیاج دارد و در حال حاضر توان اینکار را ندارد.

رژیم در عین حال در شرایط حاضر هدف دیگری را نیز تعقیب میکند. خاموشی های تهران (و شهرستانها) که اینک در اثر انهدام پالایشگاههای نفت و در نتیجه فقدان

سوخت لازم برای نیروگاههای برق، شانه‌روزی شده است، نوعی روانشناسی افساد و تمکین را در شخصی از مردم دامن زده است که رژیم امدهوار است در آینده بسود اهداف خود از آن بهره‌برداری کند.

فدائیان خلق نیز همگام با نظام ارتجاعی حاکم در تقویت این روانشناسی بیشترین تلاش خود را بکار میبرند و در اطلاعیه‌های متعدد خود از هواداران خود درخواست میکنند که "هر نوع تفرقه‌افکنی و هر نوع وحدت‌شکنی را از جانب هر شیروبی که باشد قاطعانه فریب کنید" (یعنی آنها را تحویل دهند!) و از این طریق "در راه بر مخالفت خود بسوی گنداب‌اپورنویسیم راست و روبرونویسیم چپ‌ی فرو گذار نگردند. از این بسیاست انتظار داشت که هرچندای حق طلبانه‌ای از سوی زحمتکشان عاصف ما برخاست فدائیان نیز در سرکوبی آن هیات حاکمه را یاری دهند.

چه باید کرد؟

ما در اعلامیه‌ای که در آغاز جنگ ایران و عراق دادیم بر مساله‌ی ضرورت مبارزه و مقابله با تجاوز نظامی عراق و نیز افشاکری همزمان رژیمهای ارتجاعی ایران و عراق تاکید کردیم و نیز متذکر شدیم که مبارزات نیروهای چپ باید در صورت مستقل چپ انجام گیرد و از کشیده شدن بدامن رژیم تحت عنوان "دفاع از وطن" اجتناب شود.

با مطالبی که در فوق آمد و اشاراتی که به عسسلیل و انگیزه‌های شروع جنگ و ادامه‌ی آن شد تصور میکنیم که این امر روشنتر شده باشد که نیروهای چپ وظیفه ندارند که در هر جنگی که طبقات متخاصم بسایر منافع خود آغاز میکنند سراسمه وارد کارزار شوند و باین بهانه توسل جویند که "مردم چنین میخواهند". وظیفه‌ی نیروهای مترقی هدایت نموده‌است و نه دنباله‌روی از آنان. با شوندها بسودن بمعنای سقوط در مهلکه‌هایی که رژیم در راه وجود میآورد نیست. رژیم های ارتجاعی برای ادامه‌ی فریب مردم بسسه تاکتیکهای انحرافی متوسل میشوند و چقدر تراژیک است که نیروهای مترقی نیز ظاهرا دنبال "مردم"، خواستهای رژیم را جامه‌ی عمل بپوشانند.

بنابراین مهمترین وظیفه‌ی نیروهای مترقی و رکن اساسی چه باید کرد، در افشاکری و توضیح علل وانگیزه‌های جنگ برای مردم است. برای انداختن گلوله و خمپاره بساندازه‌ی کافی ارتشی و پاسدار و نظائر آن وجود دارد. وظیفه‌ی چپ نه دنباله‌روی از ارتش و پاسدار و سقوط بسود آگاهی آنان بلکه افشاء طرفین خاصه است. نشان دادن واقعیت است که این جنگ نه بخاطر منافع زحمتکشان بلکه برای ادامه‌ی استثمار و فریب آنان است. نشان دادن این واقعیت است که زحمتکشان اینسو و آنسو مرز با هم عنادی ندارند. نشان دادن این واقعیت است که رژیم رباکار عراق و رژیم ادامه‌کار ایران هر یک برای تثبیت خود میکوشد و لاغیر. نشان دادن این واقعیت است که در این

جنگ ایران و عراق

جنگ برنده‌ی اصلی قدرتهای جهانی هستند.

این مهمترین وظیفه‌ی چپ است. اینکار رکن اساسی حرکت اوست. ولی با اینهمه تنها کار او نیست. هنگامی که صرفنظر از علل و انگیزه‌های خدایان جنگ، توده‌های مردم تحت فشار قرار میگیرند چپ نمیتواند و نباید نسبت باین فشارها بی تفاوت بماند و در رفع آنها نکوشد. سازماندهی مستقل مبارزه^{بفشار} سازماندهی خدمات و امور همیشه مردم بدون تردید از وظائفی است که تغافل از آن همانقدر نابخشودنی است که دنباله‌روی از رژیم، این وظایف از هم

تفکیک ناپذیرند. افشاء رژیمهای ارتجاعی و کمک به توده‌های مردم در ارتباط نزدیک با هم قرار دارند و وجوه مختلف یک استراتژی واحد را میسازند.

نابود باد توطئه‌های خدایان جنگ
گسترده باد پیوند زحمتکشان ایرانی و عرب

